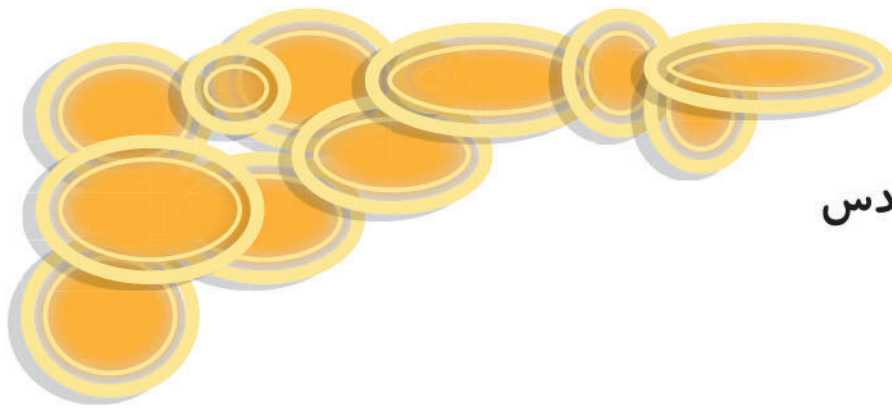




مقدمه

قبل از کلاس ظرفی از میوه‌های مختلف آماده کنید و همراه با ظرفی پر از شکلات با خود به کلاس ببرید. هر دو ظرف را بر روی میز بگذارید و از بچه‌ها بپرسید ترجیح می‌دهند میوه بخورند یا شکلات؟ مادر و پدرشان ترجیح می‌دهند که بچه‌ها از کدام یک بخورند؟ آیا برای بچه‌ها سخت است اگر ظرفی پر از شکلات بر روی میز باشد، اما به خاطر اطاعت از مادر و پدرشان به آن دست نزنند؟

درس

برای تنوع می‌توانید سفره‌ایی بر روی زمین بیندازید و چند نوع غذا بر سر سفره بگذارید. با بچه‌ها دور سفره بنشینید و داستان را به زبان ساده برای بچه‌ها تعریف کنید. و یا می‌توانید داستان را از روز قبل بر روی دو برگه کاغذ به‌طور ساده بازنویسی کنید و بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کنید. داستان را به هر دو گروه بدهید و چند دقیقه وقت بدهید تا داستان را بخوانند و در ادامه به سؤالات زیر پاسخ دهند. به گروهی که سریع‌تر به سؤالات پاسخ دهند یک امتیاز بدهید (توضیح در مورد امتیازات / به مقدمه کتاب مراجعه کنید):

- ۱- چرا خدمتکار پادشاه اصرار داشت که دانیال و دوستانش از غذای مخصوصی که پادشاه برای آنها تدارک دیده بود بخورند؟ (تا آنها مثل بقیه قوی و سالم باشند)
- ۲- دانیال تصمیم گرفت بجای غذای پادشاه چه چیزی بخورد؟ (سبزیجات و آب)
- ۳- چرا دانیال نخواست از غذای پادشاه بخورد؟ (چون در

هدف:

اگر برای نام خداوند
بایستیم او به ما برکت
خواهد داد.

آیه حفظی:

متی ۳۳:۶

نخست در پی ... انجام
اراده او باشید، آنگاه
همه اینها نیز به شما عطا
خواهد شد.
(ترجمه هزاره نو)

آن زمان خدا خوردن بعضی از غذاها را منع کرده بود)
۴- چرا پادشاه دانیال و دوستانش را انتخاب کرد؟ (خدا در عوض به دانیال و دوستانش حکمت و دانایی بیشتر از بقیه داد و برای همین پادشاه آنها را انتخاب کرد)

کاربرد

همانطور که در بالا گفتیم در آن زمان خدا خوردن بعضی از غذاها را ممنوع کرده بود. دانیال خوب می دانست که مهمترین کار در زندگی اطاعت از خداست. از بچه ها سؤال کنید که امروز چه کارهایی خدا را خشنود و چه کارهایی ناراحت می کند؟ خدا انجام چه کارهایی را ممنوع کرده است؟
به بچه ها توضیح دهید که متفاوت بودن با دیگران کار راحتی نیست، اما دانیال انتخاب کرده بود که هر چقدر هم عواقب بدی داشته باشد اما از خدا اطاعت کند و خدا برای او مهم ترین باشد. از بچه ها پرسید که آیا آنها هم می توانند مانند دانیال و دوستانش شجاع باشند؟ بخواهید تا بچه ها چشمانشان را ببندند و در دعا از خدا بخواهند تا در طی هفته آینده به آنها کمک کند تا آن طور زندگی کنند که خدا می خواهد.

کمک درسی

۱- بازی

به گونه ای بایستید که همه شما را ببینند، می توانید روی یک صندلی بنشینید. دست چپ خود را مستقیم اما به سمت پایین بگیرید. دست راستتان را نیز مستقیم به سمت بالا بگیرید. به همه بگویید که به محض اینکه جای دستها عوض شد دست بزنند. این کار را چند بار تمرین کنید. سپس چند بار بچه ها را غافلگیر کنید و وانمود کنید که می خواهید دستتان را تکان دهید اما ناگهان حرکت آنها را متوقف کنید. بچه هایی را که به اشتباه دست می زنند از بازی حذف کنید. برنده آخرین نفری است که باقی می ماند.
نکته آموزشی: هوشیار باشید. هر کاری را که دیگران می کنند شما نکنید- خودتان تصمیم بگیرید.

۲- بازی

بچه ها را به دو گروه تقسیم کنید: گروه الف و گروه ب. از گروه الف یک نفر را به عنوان جاسوس انتخاب کنید. اما هیچ کس نباید او را بشناسد. از گروه ب یک کارآگاه انتخاب کنید. گروه ب باید به کارآگاه کمک کند تا جاسوس را از گروه الف تشخیص دهد. برای مثال کارآگاه (نماینده گروه ب) باید از شما پرسد که آیا جاسوس لباس قرمز پوشیده است. اگر جواب منفی باشد تمام بچه های گروه الف که لباس قرمز پوشیده اند باید بنشینند و سؤالات باید به همین ترتیب ادامه پیدا کند. اما اگر جواب مثبت بود باید بقیه بچه ها بنشینند و سؤالات به بچه هایی که لباس قرمز پوشیده اند ربط پیدا کند تا زمانی که جاسوس مشخص شود.
این بازی را چندین بار تکرار کنید و جای گروه ها را عوض کنید.
نکته آموزشی: اگر شما یک فرد مسیحی هستید آیا دیگران می توانند راحت متوجه شوند که با آنها فرق دارید؟